

ساخت و اندازه گیری شاخص های روان سنجی مقیاس ازدواج خوشبخت در پدران
دانش آموزان متوسطه شهر اهواز
**Making and Measuring the Psychometric Indices of the Happy
Marriage Scale in Men**

امین کرابی^۱، پرویز عسگری^۲ و زهرا دشت بزرگی^{۳*}

چکیده

Abstract

Introduction: Marriage and healthy marital relationships have benefits for society, individuals and families. This study aims to contribute to identification of factors of satisfying stable marriages and development of a scale based on these factors.

Materials and Methods: The population of the study consists of mothers of high school students in Ahwaz who had passed at least 25 years from their married life and had a satisfying long-term marriage. The design of the study was the correlational method. In this study, four samples were used. The first sample (25 females) was used to find and develop the primary factors. The second sample was used to determine reliability and validity and doing a primary investigation (50 subjects). Finally, in order to perform an exploratory factor analysis (239 subjects) and for doing confirmatory factor analysis a sample of 160 subjects has been selected. Those samples were selected using simple random sampling. The research tools were semi-structured

ازدواج مهم ترین نمونه روابط بین فردی است که اکثر افراد بزرگسال آن را تجربه می کنند. ازدواج و روابط زناشویی سالم، مزایایی را هم برای جامعه و هم افراد و خانواده ها ایجاد می کند. هدف پژوهش شناسایی عوامل تداوم ازدواج های پایدار خوشبخت و تهیه و ساخت پرسشنامه ای براساس عوامل تداوم ازدواج های پایدار خوشبخت از دیدگاه مردان متأهل بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه پدران دانش آموزان مقطع متوسطه شهر اهواز بودند که حداقل ۲۵ سال از زندگی مشترک آن ها گذشته باشد و در یک ازدواج طولانی مدت خوشبخت به سر می بردند. در این پژوهش چهار نمونه مورد استفاده قرار گرفت که نمونه اول جهت یافتن عوامل اولیه و تدوین پرسشنامه بود و (۲۵ نفر مرد)، در مرحله دوم برای افزایش روایی و اعتبار و اجرای مقدماتی ۵۰ نفر مرد انتخاب شد. برای انتخاب نمونه اصلی به منظور انجام تحلیل عامل اکتشافی یک نمونه ۲۳۵ نفری و به منظور انجام تحلیل عامل تأییدی یک نمونه ۱۴۰ نفری انتخاب شد. نمونه های چهارگانه با استفاده از روش در دسترس و از میان جامعه مورد نظر انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش مقیاس ارزیابی رابطه (RAS) و پرسشنامه ازدواج خوشبخت بود

۱. استادیار گروه مشاوره، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. (am.koraei@gmail.com)

۲. دانشیار گروه روان شناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. (askary47@yahoo.com)

۳. *استادیار گروه روانشناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول):

(zahradb2000@yahoo.com)

interviews, Relationship Assessment Scale, and the Happy Marriage scale which was approved after analyzing the results.

Results: The results of exploratory and confirmatory factor analysis showed that the factors of the long-term marriage of longevity are 9 factors (including 69 items) with an eigenvalue greater than 2, and these factors explain in total 56% of the total variance of happy marriage in married men.

Conclusion: 9 factors including the right style of communication and conflict resolution; protection, attention, respect and appreciating one another; personality traits and responsibility; intimacy and the quality of sex; quality of life and spending time and entertainment; fitness and flexibility; commitment and loyalty; shared values, cultural and spiritual experiences; and relationship with community, family and friends, the factors for maintaining long-term marriages are lucky in men. Understanding and identification of the factors influencing the couples' stable and successful marriages can be used as the template and a conduit for couples, especially young couples and will eventually affect public health.

Keywords: Stable Marriage, Happy Marriage, Married Men, Psychometric Indices

که پس از تحلیل نتایج این پژوهش ساخته و مورد تأیید قرار گرفت. طرح پژوهش حاضر، همبستگی از نوع تحلیل ماتریس همبستگی یا کواریانس بود. برای تحلیل فرضیه های آماری از روش های تحلیل عامل اکتشافی (EFA) و تحلیل عامل تأییدی (CFA) استفاده شد. نتایج تحلیل عامل اکتشافی و تأییدی نشان داد که عوامل تداوم ازدواج های طولانی مدت خوشبخت از نظر مردان ۹ عامل (شامل ۶۹ ماده) با ارزش ویژه بزرگ تر از ۲ است و این عوامل در مجموع ۵۶ درصد کل واریانس ازدواج خوشبخت در مردان متأهل را تبیین می کنند. در نتیجه ۹ عامل شامل سبک ارتباط و حل تعارض مناسب؛ حمایت، توجه، احترام و قدردانی از یکدیگر؛ ویژگی های شخصیتی و مسئولیت پذیری؛ صمیمیت و کیفیت رابطه جنسی؛ کیفیت زندگی مشترک و گذراندن وقت و تفریحات؛ تطابق زوج ها و انعطاف پذیر بودن؛ تعهد و وفاداری؛ داشتن ارزش ها، فرهنگ و تجارب معنوی مشترک؛ و ارتباط با اجتماع، خانواده ها و دوستان؛ عوامل تداوم ازدواج های طولانی مدت خوشبخت در مردان می باشند. شناخت و شناسایی عوامل موثر بر ازدواج های پایدار و موفق می تواند به عنوان الگو و مسیری برای زوج های جوان، و در نهایت باعث ارتقای سلامت عمومی جامعه باشد.

واژگان کلیدی: ازدواج پایدار، ازدواج خوشبخت، مردان متأهل، شاخص های روانسنجی

مقدمه

ازدواج یکی از انتخاب های مهم و سرنوشت ساز هر فرد است. این انتخاب یکی از مراحل و فرآیندهای رشد محسوب می شود که در تکامل ابعاد درونی و شخصیتی انسان مهم است (آدامسزیک^۱، ۲۰۱۷). از طرف دیگر خانواده مهم ترین نهاد اجتماعی است که بر مبنای ازدواج

1. Adamczyk

3. Claxton, O'Rourke, Smith & De-Longis

5. Slatcher & Schoebi

7. Bramlett & Mosher

9. Dereje

2. Boyce, Wood, Delaney & Ferguson

4. Kepler

6. Grych & Fincham

8. Sharma

پایه ریزی شده است. جامعه‌ی رشد یافته در گرو خانواده‌های منسجم و موفق می‌باشد. این هدف زمانی تحقق می‌یابد که انتخاب همسر از روی آگاهی و با توجه به معیارهای صحیح صورت گیرد (بویسی، وود، دیلانی و فرگوسن^۲، ۲۰۱۷). هر پژوهش و یا برنامه‌ریزی آموزشی در این زمینه می‌تواند راه گشای بسیاری از مشکلات جامعه باشد. افراد در طول زندگی خود به‌طور مداوم در حال انتخاب است و در هر انتخاب ملاک‌هایی را مبنا قرار می‌دهد. تعدادی از این ملاک‌ها مربوط به فرد و برخی نیز تقریباً بین همه اعضای یک گروه، از نظر جنس یا نوع مشترک می‌باشند (کلاکستون، اورارک، اسمیت و دلانگیس^۳، ۲۰۱۳).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که افراد با رضامندی زناشویی بالا و روابط صمیمانه نسبت به افرادی که زندگی زناشویی ناسازگارانه‌ای دارند، بیشتر عمر می‌کنند (کپلر^۴، ۲۰۱۵)، از سلامت جسمانی بالاتری برخوردارند (اسلاچر و شویی^۵، ۲۰۱۷) و برای فرزندانشان والدین بهتری هستند (گریچ و فینچام^۶، ۱۹۹۰). متأسفانه، آمارها همچنین حاکی از افزایش طلاق زوجین است. در آمریکا، حدود ۵۰٪ از ازدواج‌های اول به طلاق می‌انجامند و حدود ۳۳٪ این ازدواج‌ها در همان ده سال اول ازدواج به جدایی یا طلاق منجر می‌شوند (براملت و موشر^۷، ۲۰۰۱). در ایران تا پایان بهمن‌ماه ۱۳۹۵ تعداد ۶۶۰۸۰۳ فقره ازدواج و در همین مدت، ۱۶۵۹۳۹ فقره طلاق ثبت شده است (سازمان ثبت‌احوال کشور، ۱۳۹۵)؛ به عبارت دیگر، در ازای هر ۴ ازدواج، یک طلاق صورت گرفته است. این در حالی است که در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴، این نسبت به ترتیب به ۹/۴، ۸/۳، ۸/۴، ۸، ۷/۱، ۶/۵، ۶/۱، ۵/۵، ۵/۴ و ۴/۸ کاهش یافته است.

بیشتر مردم به این منظور که بقیه عمرشان را با هم زندگی کنند، ازدواج می‌کنند اما با این حال طلاق به صورت یک پدیده عادی با سرعت هشدار دهنده‌ای در حال گسترش است. این سرعت رشد به صورت قابل توجهی نه تنها در کشورهای پیشرفته بلکه در کشورهای در حال توسعه نیز در حال افزایش است (شارما^۸، ۲۰۱۱). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که عوامل متنوعی برای انحلال ازدواج وجود دارد که شامل طیف وسیعی در میان فرهنگ‌ها و موقعیت‌های جغرافیایی مختلف می‌شود (درج^۹، ۲۰۱۴). به دلیل پیچیدگی و تفاوت‌های فرهنگی علل و پیامد کاملاً مشخصی را نمی‌توان به پدیده طلاق نسبت داد چرا که میزان و ابعاد طلاق از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است همچنین طلاق یک پدیده چندعاملی است (جانمردی^۱، ۲۰۱۱).

- | | |
|--|---|
| 1. Janmardy | 2. Karney & Bradbury |
| 3. complementarity | 4. Villa & Pereira Del Prette |
| 5. McCray | 6. Canary, Stafford & Semic |
| 7. Repetti, Taylor & Seeman | 8. Sharif, Soleimani, Mani & Keshavarzi |
| 9. Rehman & Holtzworth-Munroe | 10. Impett, Muise & Peragine |
| 11. Galinsky & Waite | 12. Kaslow & Robison |
| 13. Khoshdasht, Jalali & Kakavand | 14. Popenoe |
| 15. Lavner | 16. Bloch, Haase & Levenson |
| 17. McNulty | |
| 18. Stanley, Whitton, Sadberry, Clements & Markman | |

مطالعات فراوانی به بررسی پیش‌بین‌های رضایت زناشویی و کیفیت زندگی زناشویی پرداخته‌اند (کارنی و بردبری^۲، ۱۹۹۵). این مطالعات به‌طور عمده و اصلی بر دو موضوع تمرکز نموده‌اند که عبارت‌اند از انتخاب همسر و موفقیت زندگی زناشویی. مطالعات مربوط به انتخاب همسر در ابتدا بر شباهت و عدم شباهت بین زوجین در تعدادی متغیرهای روان‌شناختی، جسمانی و اجتماعی متمرکز بود و از این اندیشه حمایت می‌کردند که شباهت بین زوجین، برخلاف اصل مکملیت^۳ یک عامل مهم در نیل به حفظ و ابقای رضایت زناشویی است (ویا و پیرا دل پرت^۴، ۲۰۱۳). براساس برخی پژوهش‌های مهم‌ترین عواملی که برای تداوم و رضایت‌مندی ازدواج ذکر شده‌اند، شامل تعهد بین زوجها (مک‌کری^۵، ۲۰۱۵)؛ روابط دوستانه بین زوجها (کاناری، استافورد و سمیچ^۶، ۲۰۰۲)؛ سبک مناسب حل تعارض (رپتی، تیلور و سیمن^۷، ۲۰۰۹)؛ شریف، سلیمانی، مانی و کشاورزی^۸، ۲۰۱۳)؛ ارتباط مؤثر (ریهمان و هولتزورث-مونرو^۹، ۲۰۰۷)؛ رضایت از رابطه جنسی (ایمپت، مويس و پراگین^{۱۰}، ۲۰۱۴)؛ گالینسکی و وایت^{۱۱}، ۲۰۱۵)؛ ویژگی‌های شخصیتی (کاسلوف و رابیسون^{۱۲}، ۱۹۹۶)؛ خوش دشت، جلالی و کاکاوند^{۱۳}، ۲۰۱۶)؛ کیفیت محبت بین زوجها (پوپینو^{۱۴}، ۲۰۰۴)؛ ارتباط مؤثر بین همسران (لونر^{۱۵}، کارنی و بردبری، ۲۰۱۶)؛ دریافت حمایت عاطفی از سوی همسران (بلاچ، هاس و لونسون^{۱۶}، ۲۰۱۴)؛ گذشت در هنگام بروز آسیب (مک‌نولتی^{۱۷}، ۲۰۰۸) و فداکاری در جریان زندگی (استنلی، ویتون، سادبری، کلمنتس و مارکمن^{۱۸}، ۲۰۰۶) است. بخش عمده‌ای از این ادبیات به درک تعاملات همسران به عنوان یک منبع برای کیفیت و ثبات زناشویی اختصاص داده شده است (گاتمن و نوتاریوس^{۱۹}، ۲۰۰۰) و عوامل کلی دیگر مثل عوامل شغلی، اقتصادی، نگرش‌های مذهبی، ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی (شوون، راجرز و آماتو^{۲۰}، ۲۰۰۶) می‌باشد.

نیمتز^{۲۱} (۲۰۱۱) در یک مطالعه پدیدار شناختی که به منظور شناسایی عوامل مؤثر بر دوام و رضایت‌مندی ازدواج، نشان داد که وجود نگرش‌های مثبت ناشی از احترام، تعهد و شوخ طبعی و همچنین اعمالی مانند ارتباط مثبت، حمایت و مصالحه باعث تداوم ازدواج و رضایت‌مندی آن‌ها در طول زمان شده است. این زوجین همچنین، مهم‌ترین فایده ازدواج طولانی‌مدت خوشبخت را باهم بودن و وجود فرزندان و نوه‌ها در زندگی خود می‌دانند. آسوده، دانش‌پور، خلیلی، غلامعلی لوانسانی، ابوعلی شبانی و دادرس^۱ (۲۰۱۱) در پژوهش خود، نشان دادند که زوج‌های موفق و خوشبخت چهار ویژگی مهم دارند، توانایی حل مشکلات خود، داشتن درک متقابل و مدیریت درآمدها و هزینه‌ها، گذراندن اوقات فراغت خود به همراه خانواده خود، دوست بودن با همدیگر، و احترام به یکدیگر.

19. Gottman & Notarius

20. Shown, Roujers & Amatou

21. Nimitz

1. Asoodeh, Daneshpour, Khalili, Gholamali Lavasani, Abuali Shabani & Dadras

2. Lauer & Lauer

3. Alford-Cooper

4. Donovan

5. Fenell

کاسلوف و رابیسون (۱۹۹۶) نه عامل توانایی همخوانی (انعطاف پذیری در مراحل انتقالی زندگی قابل پیش بینی و غیرمنتظره، توانایی مقابله با حوادث استرس زا از طریق منابع داخلی و خارجی و مهارت های مقابله ای)؛ تعهد به خانواده، وفاداری و ارزش گذاری به همسر و خانواده؛ ارتباطات باز، مستقیم و منظم؛ تشویق و ارائه یک سیستم حمایتی و تعلق فردی به خانواده برای رشد و پرورش شخصی؛ سپاسگزاری، بیان و توجه مثبت به طرف مقابل بدون داشتن چشم داشت؛ تجربه معنوی یا مذهبی مشترک؛ ارتباط اجتماعی مناسب و اتصال به یک شبکه بزرگ تر از خانواده، دوستان و جامعه؛ وضوح نقش، ساختار روشن اما انعطاف پذیر که تعریف انتظارات و مسئولیت های هر عضو را مشخص می کند؛ و اختصاص دادن زمان به زندگی مشترک، گذراندن وقت در کنار یکدیگر که برای هر دو طرف لذت بخش باشد، هم از نظر کمی و هم کیفی را برای ازدواج های بادوام ذکر کرده اند. لاور و لاور^۲ (۱۹۸۶) هفت دلیل را به عنوان علل موفقیت یا خوشبختی در ازدواج نشان دادند که عبارتند از بهترین دوست همدیگر بودن، علاقه به همسر به عنوان یک انسان، مقدس دانستن ازدواج، تعهد درازمدت به یکدیگر، توافق بر سر اهداف و انتظارات، بیشتر شدن علاقه به یکدیگر در طول زندگی و تمایل به موفق شدن در زندگی و رابطه زناشویی. آلفورد-کوپر^۳ (۱۹۹۸) معتقد است که عوامل موفقیت و ماندگاری ازدواج در سه دسته قرار می گیرند، عامل اول شامل اعتماد، داشتن رابطه عاشقانه و تمایل به سازش، عامل دوم شامل احترام متقابل، توجه به نیازهای یکدیگر و سازگاری و عامل سوم شامل توافق بر سر فرزندان و ارتباط سازنده. همچنین، ویژگی های دیگری که زوجین بااهمیت دانستند شامل شوخ طبعی، داشتن نگرش مشابه نسبت به ازدواج، توافق بالا در مورد حرمت و تقدس ازدواج و تعهد و وفاداری است. داناوان^۴ (۲۰۰۴) نیز نشان داد که وجود رفتارهایی مانند شوخ طبعی، شناخت فرهنگ طرف مقابل، ارتباط، حمایت، آمادگی شخصی، کار بر روی اهداف مشترک و نگرش های مذهبی مشابه باعث ماندگاری ازدواج و رضایتمندی آن ها در طول زمان شده است. فنل^۵ (۱۹۹۳) نیز نشان داد، ده مؤلفه تأثیرگذار بر ماندگاری ازدواج های موفق عبارتند از: تعهد به روابط زناشویی در طول زندگی، وفادار ماندن به همسر، ارزش های اخلاقی محکم، احترام به همسر، وفاداری و تعهد جنسی، والد خوب بودن، داشتن ارزش های مذهبی، حمایت و لذت دو طرفه، هماهنگی و همدمی با همسر، توانایی عفو و گذشت و مورد گذشت واقع شدن.

نکته مهم اینکه، همه ازدواج های طولانی مدت، الزاماً خوشبخت نیستند. از آنجایی که برخی با بی علاقه در کنار همدیگر می مانند و زندگی مشترکشان صرفاً به دلیل عواملی مانند ترس، درماندگی متقابل یا وابستگی اقتصادی ادامه می یابد (ایوناک، ویت، لامان، مک کلینتوک و تایدت،^۱ ۲۰۱۴)، لذا لزوم شناسایی ازدواج های بادوام خوشبخت بسیار مهم و اساسی می باشد. به نحوی که ازدواج هایی وجود دارد که با کیفیت بالا طبقه بندی می شوند اما به طلاق منجر می شوند،

¹.Iveniuk, Waite, Laumann, McClintock, & Tiedt

².Robles, Slatcher, Trombello, & McGinn,

و نیز ازدواج‌هایی وجود دارد که باکیفیت پایین طبقه‌بندی می‌شوند، اما همچنان تداوم می‌یابند (رابلس، اسلاچر، ترامبلو و مک‌گین، ۲۰۱۴).

باتوجه به نگرانی‌های مربوط به افزایش آمار طلاق و پیامدهای آن، حال این پرسش مطرح است، که آیا عوامل مشخصی وجود دارد که موجب تداوم برخی ازدواج‌ها می‌شود؟ آیا در میان همه زوج‌های با ازدواج‌های بادوام و خوشبخت عوامل مشترکی وجود دارد؟ لذا پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش اساسی است که از دیدگاه مردان متأهل با ازدواج‌های طولانی مدت خوشبخت، عوامل مؤثر در دوام ازدواج‌های خوشبخت کدامند؟

روش پژوهش

طرح پژوهش حاضر یک طرح همبستگی از نوع تحلیل ماتریس کوواریانس یا همبستگی است. جامعه آماری کلیه پدران دانش‌آموزان دختر و پسر متوسطه شهر اهواز می‌باشند که حداقل ۲۵ سال از زندگی مشترک آن‌ها گذشته باشد و در یک ازدواج طولانی مدت خوشبخت به سر می‌برند. نمونه‌های موردنظر برای این پژوهش از طریق نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند، بدین صورت که از میان پدران دانش‌آموزان دختر و پسر متوسطه شهر اهواز، افرادی که طول مدت ازدواج ۲۵ سال بیشتر بوده و زندگی زناشویی آن‌ها نیز رضایت‌بخش است، تعدادی انتخاب می‌شدند. سپس، هر کدام از آن‌ها که واجد شرایط شرکت در پژوهش بودند و در مقیاس ارزیابی رابطه (RAS) نمره‌ای بالاتر از +۱ انحراف استاندارد کسب کردند به عنوان نمونه در پژوهش شرکت می‌کردند. پس از شناسایی و انتخاب افراد واجد شرایط، نمونه‌های موردنیاز برای شرکت در پژوهش دعوت می‌شدند.

لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر چهار نمونه مورد استفاده قرار گرفت که نمونه اول جهت یافتن عوامل اولیه و تدوین پرسشنامه بود که بدین منظور ۲۵ نفر مرد انتخاب شدند. قبل از نمونه‌گیری اصلی برای افزایش پایایی و روایی ابزار، مراحل پیش‌مقدماتی و سپس مرحله مقدماتی بر روی ۵۰ نفر مرد از جامعه‌ی موردنظر اجرا شد. سپس برای انتخاب نمونه اصلی به منظور انجام تحلیل عامل اکتشافی یک نمونه ۲۳۵ نفری و به منظور انجام تحلیل عامل تأییدی یک نمونه ۱۴۰ نفری دیگر انتخاب شد.

برای جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش ابتدا از یک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. پس از اجرای مرحله اول پژوهش، و تکمیل نظرات نمونه، پژوهشگر با بررسی نظرات و عوامل ذکر شده از سوی شرکت‌کنندگان و پس از مطالعه منابع، مقیاس‌ها و متون موجود در مورد عوامل تداوم ازدواج و روابط زوجی موفق، پرسشنامه‌ای تهیه کرد که روایی محتوایی آن در ابتدا، براساس نظرات صاحب‌نظران و متخصصان حوزه خانواده و ازدواج مورد بررسی قرار گرفت. سپس پرسشنامه بر روی نمونه اصلی اجرا شد و ساختار عاملی آن نیز مورد بررسی قرار گرفت. روایی و پایایی پرسشنامه

مذکور نیز با استفاده از روش های مختلف مورد بررسی قرار گرفت. ابزارهای مورد استفاده در زیر گزارش شده اند.

۱- **مقیاس ارزیابی رابطه**^۱ این مقیاس توسط هندریک، دایک و هندریک^۲ (۱۹۹۸)، ساخته شده و دارای ۷ سؤال برای سنجش وضعیت رابطه ی رمانتیک می باشد. در واقع مقیاس ارزیابی رابطه (RAS)، میزان رضایت کلی فرد از رابطه، اینکه شریک یا همسر او چگونه به نیازهایش توجه می کند، اینکه کیفیت رابطه ی او در مقایسه با روابط دیگران چگونه است، رابطه به چه میزان دچار مشکل است و نیز میزان پشیمانی فرد از رابطه را مورد ارزیابی قرار می دهد. ماده های این مقیاس به صورت لیکرت و در یک طیف ۵ درجه ای از ۱ (کمترین میزان رضایت) تا ۵ (بیشترین میزان رضایت) قرار دارد (هندریک و همکاران، ۱۹۹۸). از این مقیاس برای انتخاب اعضای نمونه استفاده شد. این مقیاس در پژوهش های پیشین از روایی مطلوب و نیز همسانی درونی بالایی برخوردار بوده است. برای نمونه هندریک (۱۹۹۸)، میزان همسانی درونی آن را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۶ گزارش کرد. همچنین دوهان و مانوساوا^۳ (۲۰۰۴) نیز در پژوهش خود پایایی این مقیاس را با استفاده از روش آلفا، ۰/۸۵ گزارش کردند. در پژوهش خجسته مهر، کرای، عباس پور و کوچکی (۱۳۹۱) نیز برای بررسی ضریب پایایی این مقیاس از روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) استفاده شد. ضرایب پایایی با استفاده از روش مذکور برابر ۰/۹۵ به دست آمد. همچنین به منظور بررسی روایی سازه این مقیاس از پرسشنامه کیفیت زناشویی (QMI) استفاده گردید که میزان همبستگی آن با مقیاس کیفیت زناشویی، ۰/۸۸ محاسبه شد که در سطح ($P < 0/001$) معنی دار می باشد. در پژوهش حاضر، نیز ضریب پایایی این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۶ به دست آمد.

۲- **پرسشنامه ازدواج خوشبخت**. پس از شناسایی عوامل اولیه مطرح شده از سوی مردان در جلسات مصاحبه و مطالعه منابع موجود در این زمینه از سوی پژوهشگر، یک بانک سؤال تهیه شد. سپس، پژوهشگر با مشورت متخصصان و صاحب نظران، از میان عوامل ذکر شده از سوی شرکت کنندگان، ماده هایی که بتواند الگوی ازدواج بادوام و رضایتمند را توصیف کنند، جمع آوری و در قالب یک مقیاس در اختیار ۵۰ نفر از مردان با ازدواج های بادوام رضایتمند قرار داد. سپس مقیاس مذکور بر روی نمونه ای ۲۳۵ نفری برای شناسایی عوامل اولیه انجام گرفت. پس از انجام تحلیل عامل اکتشافی و شناسایی عوامل، مجدداً یک نمونه ۱۶۰ نفری انتخاب شد تا یکبار دیگر مقیاس و عوامل زیربنایی آن به منظور تحلیل عامل تأییدی اجرا و مورد ارزیابی قرار گیرد. مقیاس اولیه شامل ۸۵ ماده بود که عوامل ماندگاری ازدواج های پایدار رضایتمند از دیدگاه مردان متأهل را اندازه گیری می کند. ماده های مقیاس بر اساس اصول رایج آزمون سازی تدوین شده و چندین بار مورد ارزیابی و ویرایش

1. Relationship Assessment Scale (RAS)
2. Hendrick, Dicke & Hendrick
3. Doohan & Manusov

قرار گرفت. برای نمره‌گذاری این مقیاس از طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای شامل اصلاً وجود نداشت (۱)، کمی وجود داشت (۲)، بعضی اوقات وجود داشت (۳)، بیشتر اوقات وجود داشت (۴) و همیشه وجود داشت (۵) استفاده شد. نمره‌گذاری برخی از ماده‌ها به صورت معکوس است.

به منظور انتخاب نمونه، پژوهشگر ابتدا از طریق پرونده مشاوره‌ای دانش‌آموزان مقطع متوسطه شاغل به تحصیل در شهر اهواز، اقدام به شناسایی افراد واجد شرایط در پژوهش - پدران دانش‌آموزانی که حداقل ۲۵ سال از زندگی مشترک زوج گذشته باشد، اولین ازدواج آن‌ها باشد، الگوی ازدواج والد تک‌همسری باشد، حاضر به شرکت در پژوهش (مصاحبه یا تکمیل پرسشنامه) باشند، زندگی مشترک آن‌ها همچنان تداوم دارد- نمود (در مجموع پرونده والدین حدود ۴۰۰۰ دانش‌آموز مورد بررسی قرار گرفت). سپس مقیاس ارزیابی رابطه (RAS) در اختیار آن‌ها قرار می‌گرفت و اگر نمره بالاتر از ۱+ انحراف استاندارد در مقیاس مذکور کسب می‌کردند، برای شرکت در پژوهش انتخاب می‌شدند. پس از انجام مصاحبه نتایج آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت و به شناسایی عوامل اولیه مطرح شده از سوی آن‌ها پرداخته شد. از مجموعه عوامل ذکر شده از سوی آزمودنی‌ها، منابع موجود در این زمینه و نظر صاحب‌نظران حوزه خانواده یک بانک سؤال تهیه شد که پژوهشگر ابتدا با مشورت متخصصان و صاحب‌نظران، بهترین و رایج‌ترین پرسش‌هایی که بتواند الگوی ازدواج با دوام و خوشبخت را توصیف کند، جمع‌آوری و در قالب یک پرسشنامه در اختیار آزمودنی‌ها قرار داد. سپس، مجدداً، ۵۰ مرد برای بررسی روایی و پایایی اولیه پرسشنامه مذکور و اصلاح آن انتخاب بر روی آن‌ها اجرا گردید. پس از آن یک نمونه ۲۳۵ نفری انتخاب و پرسشنامه ساخته شده بر روی آن‌ها اجرا شد و پاسخ‌های این افراد برای انجام تحلیل عامل اکتشافی و شناسایی عوامل مورد استفاده قرار گرفت. در نهایت، یک نمونه شامل ۱۴۰ نفر انتخاب شد تا یک بار دیگر پرسشنامه و عوامل زیربنایی آن به منظور تحلیل عامل تأییدی اجرا و مورد ارزیابی قرار بگیرد. داده‌ها با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی^{۱۴} (EFA)، تحلیل عاملی تأییدی^۲ (CFA)، ضریب همبستگی پیرسون و ضریب پایایی با روش آلفای کرونباخ مورد تحلیل قرار گرفتند. تمامی تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS ویرایش ۲۲ و AMOS ویراست ۱۸ انجام گرفت.

یافته‌ها

شاخص‌های آماری شامل میانگین و انحراف استاندارد هر ماده، همراه با ضریب همبستگی هر ماده با نمره‌ی کل ۸۶ ماده و ضرایب آلفای کرونباخ پس از حذف هر سؤال، در جدول ۱ نمایش داده شده است.

1. Exploratory factor analysis (EFA)
2. confirmatory factor analysis

جدول ۱. میانگین، انحراف استاندارد، ضریب همبستگی هر ماده با نمره کل و ضریب آلفای ماده های مقیاس ازدواج خوشبخت

ماده	Mean	SD	R	α	ماده	Mean	SD	R	α
۱	۳/۳۹	۱/۰۵	۰/۳۶۹	۰/۹۵۲	۴۴	۳/۸۱	۱/۱۱	۰/۶۹۳	۰/۹۵۱
۲	۴/۲۷	۰/۸۶	۰/۵۳۸	۰/۹۵۲	۴۵	۳/۷۳	۱/۰۳	۰/۵۶۹	۰/۹۵۲
۳	۴/۰۹	۰/۸۵	۰/۴۲۲	۰/۹۵۲	۴۶	۳/۸۸	۰/۹۹	۰/۶۶۵	۰/۹۵۲
۴	۴/۴۶	۰/۹۵	۰/۳۹۹	۰/۹۵۲	۴۷	۳/۹۹	۰/۹۹	۰/۷۱۶	۰/۹۵۱
۵	۴/۱۵	۰/۸۰	۰/۴۹۵	۰/۹۵۲	۴۸	۴/۱۹	۰/۹۴	۰/۵۵۴	۰/۹۵۲
۶	۳/۳۹	۱/۰۳	۰/۴۱۵	۰/۹۵۲	۴۹	۳/۹۳	۰/۹۵	۰/۷۲۷	۰/۹۵۱
۷	۳/۹۹	۱/۱۶	۰/۳۱۵	۰/۹۵۳	۵۰	۳/۷۴	۱/۰۴	۰/۵۷۷	۰/۹۵۲
۸	۴/۲	۱/۰۷	۰/۲۲۴	۰/۹۵۳	۵۱	۳/۹۹	۱/۰۲	۰/۷۵۶	۰/۹۵۱
۹	۴/۲	۰/۹۶	۰/۴۵۴	۰/۹۵۲	۵۲	۴/۴۱	۰/۹۳	۰/۵۶۲	۰/۹۵۲
۱۰	۳/۷۲	۱/۰۷	۰/۵۹۲	۰/۹۵۲	۵۳	۳/۹۹	۱/۰۲	۰/۵۴۱	۰/۹۵۲
۱۱	۴/۳۷	۰/۸۸	۰/۳۷۹	۰/۹۵۲	۵۴	۳/۹۸	۱/۱۴	۰/۷۰۷	۰/۹۵۱
۱۲	۲/۷۵	۱/۵۴	۰/۲۱۱	۰/۹۵۴	۵۵	۴/۰۵	۱/۱۰	۰/۶۲۳	۰/۹۵۲
۱۳	۴/۳۲	۰/۹۶	۰/۳۰۰	۰/۹۵۳	۵۶	۴/۹	۰/۴	۰/۲۷۳	۰/۹۵۳
۱۴	۳/۸	۱/۰۱	۰/۳۷۵	۰/۹۵۲	۵۷	۲/۳۹	۱/۲۶	۰/۰۴	۰/۹۵۴
۱۵	۳/۴۳	۱/۰۵	۰/۴۸۸	۰/۹۵۲	۵۸	۴/۳۸	۰/۸۷	۰/۷۴۲	۰/۹۵۲
۱۶	۴/۰۹	۰/۸۸	۰/۶۱۰	۰/۹۵۲	۵۹	۴/۲۵	۰/۹۳	۰/۷۶۶	۰/۹۵۱
۱۷	۴/۴۵	۰/۹۲	۰/۱۶۴	۰/۹۵۳	۶۰	۴/۲۶	۰/۹۸	۰/۴۷۹	۰/۹۵۲
۱۸	۴/۳۹	۰/۹۷	۰/۳۹۵	۰/۹۵۲	۶۱	۳/۸۷	۱/۳۳	۰/۵۰۶	۰/۹۵۲
۱۹	۴/۵۵	۰/۹۳	۰/۳۸۸	۰/۹۵۲	۶۲	۴/۳۳	۰/۸۸	۰/۴۲۹	۰/۹۵۲
۲۰	۴/۵۸	۰/۷۹	۰/۳۶۴	۰/۹۵۲	۶۳	۴/۰۵	۱/۲۷	۰/۳۲۸	۰/۹۵۳
۲۱	۴/۶۴	۰/۶۹	۰/۳۵۷	۰/۹۵۲	۶۴	۴/۱۴	۰/۹۸	۰/۵۸۱	۰/۹۵۲
۲۲	۴/۳۲	۱/۰۱	۰/۲۵۱	۰/۹۵۳	۶۵	۴/۷۲	۰/۵۶	۰/۳۸۲	۰/۹۵۲
۲۳	۳/۸	۱/۰۷	۰/۳۵۷	۰/۹۵۲	۶۶	۴/۱۴	۰/۹۳	۰/۴۵۴	۰/۹۵۲
۲۴	۴/۰۹	۱/۰۳	۰/۵۵۰	۰/۹۵۲	۶۷	۴/۴۷	۱/۰۹	۰/۱۰	۰/۹۵۳
۲۵	۲/۸۸	۱/۰۴	۰/۰۳۷	۰/۹۳	۶۸	۳/۹۹	۱/۰۷	۰/۴۳۵	۰/۹۵۲
۲۶	۴/۲۷	۰/۹۸	۰/۴۶۹	۰/۹۵۲	۶۹	۴/۱۹	۰/۹۸	۰/۷۴۶	۰/۹۵۱
۲۷	۴/۰۲	۱/۲	۰/۲۱۶	۰/۹۵۳	۷۰	۳/۴۲	۱/۱۲	۰/۲۸۴	۰/۹۵۳
۲۸	۳/۳۲	۱/۳۳	۰/۰۲۱	۰/۹۵۴	۷۱	۴/۱۲	۱/۰۲	۰/۴۹۷	۰/۹۵۲
۲۹	۴/۰۲	۰/۹۸	۰/۵۱۶	۰/۹۵۲	۷۲	۴/۴۹	۰/۹۶	۰/۴۲۸	۰/۹۵۲
۳۰	۳/۴۵	۱/۱۳	۰/۴۰۰	۰/۹۵۲	۷۳	۴/۵۵	۰/۷۴	۰/۴۸۶	۰/۹۵۲
۳۱	۴/۰۷	۰/۹۲	۰/۶۷۶	۰/۹۵۲	۷۴	۳/۹۲	۱/۰۲	۰/۶۷۷	۰/۹۵۱

۰/۹۵۳	۰/۳۱۵	۱/۱۸	۳/۹۸	۷۵	۰/۹۵۳	۰/۲۸۸	۱/۲	۳/۴۲	۳۲
۰/۹۵۱	۰/۷۸۵	۰/۹۵	۴/۱۴	۷۶	۰/۹۵۳	۰/۳۲۶	۱/۰۸	۴/۰۵	۳۳
۰/۹۵۲	۰/۳۷۷	۱/۰	۴/۲۵	۷۷	۰/۹۵۲	۰/۵۹۴	۰/۹۷	۳/۹۳	۳۴
۰/۹۵۲	۰/۶۶۴	۰/۸۵	۴/۱۲	۷۸	۰/۹۵۲	۰/۴۸۶	۱/۰۹	۴/۲	۳۵
۰/۹۵۲	۰/۵۸۷	۰/۹۵	۴/۰۴	۷۹	۰/۹۵۲	۰/۵۸۲	۰/۸۶	۴/۳۹	۳۶
۰/۹۵۴	-۰/۰۵	۱/۲۹	۲/۵۵	۸۰	۰/۹۵۳	۰/۳۰۳	۱/۲۱	۳/۶۷	۳۷
۰/۹۵۲	۰/۵۱۵	۰/۹	۳/۸۳	۸۱	۰/۹۵۲	۰/۵۵۶	۰/۸۸	۴/۳۴	۳۸
۰/۹۵۲	۰/۴۵۸	۱/۰۱	۴/۴۷	۸۲	۰/۹۵۱	۰/۶۷۱	۱/۰۳	۳/۸۸	۳۹
۰/۹۵۲	۰/۵۵۶	۰/۹۱	۴/۲	۸۳	۰/۹۵۲	۰/۳۸۰	۱/۰۷	۳/۶۷	۴۰
۰/۹۵۳	۰/۱۳۴	۰/۲	۴/۹۴	۸۴	۰/۹۵۲	۰/۶۳۷	۱/۰	۳/۹۳	۴۱
۰/۹۵۴	-۰/۰۴	۱/۱۸	۳/۲۵	۸۵	۰/۹۵۲	۰/۶۴۱	۰/۹۵	۴/۰۷	۴۲
۰/۹۵۳	۰/۲۹۷	۱/۰۵	۳/۹۶	۸۶	۰/۹۵۳	۰/۳۲۸	۱/۰۵	۳/۷۹	۴۳

۱- درجه مطلوبیت: همان گونه که در جدول ۱ ملاحظه می شود، بیشترین میانگین در مجموعه ۸۶ ماده، متعلق به ماده ۸۴، ۵۶ و ۲۱ است. این نتایج نشان می دهد که ماده های مذکور دارای درجه مطلوبیت بالاتری است. از سوی دیگر، کمترین میانگین متعلق به ماده ۵۷، ۱۲ و ۸۰ است، که نشان می دهد از درجه مطلوبیت کمتری برخوردار است.

۲- قدرت تشخیص: بیشترین انحراف استاندارد متعلق به ماده ۱۲، ۶۱ و ۲۸ است که این نتایج نشان می دهد که گروه نمونه در این گویه ها همگونی کمتری دارند. از سوی دیگر، کمترین انحراف استاندارد متعلق به ماده ۸۴، ۵۶ و ۶۵ است که این نتایج نشان می دهد که گروه نمونه در این گویه ها همگونی بیشتری دارند.

۳- همبستگی درونی: همان گونه که ملاحظه می شود، ماده های ۵۱، ۶۹ و ۵۸ به ترتیب با ضرایب ۰/۷۶، ۰/۷۴ و ۰/۷۳ بیشترین همبستگی (قدرت تشخیص) و ماده های ۸۰، ۸۵، ۲۸، ۵۷، کمترین همبستگی یا همبستگی منفی را با نمره کل نشان داده است. این ضرایب نشان می دهد که کلیه ماده ها (به جز ۴ ماده) دارای همبستگی مناسب و بالایی با نمره کل هستند. بنابراین بهتر است در وضع کنونی مجموعه ماده ها، ۴ ماده حذف گردد.

۴- ضریب آلفای کرونباخ: ضریب پایایی کل مجموعه ۸۶ ماده ای که بر پایه آلفای کرونباخ برآورد شده است برابر ۰/۹۵۵ به دست آمد. مقدار آلفای کرونباخ پس از حذف هر ماده نشان دهنده این است که پس از حذف آن ماده، پایایی کل مقیاس به چه میزان افزایش یا کاهش یافته است. همان گونه که ملاحظه می شود، ضرایب آلفای کرونباخ پس از حذف هر ماده برای کلیه ماده ها، حاکی از این است که حذف هیچ کدام از ماده ها منجر به افزایش پایایی کل مقیاس نخواهد شد، لذا هیچ کدام از ماده ها ناپایا تشخیص داده نشدند.

اندازه KMO منعکس کننده کفایت نمونه برداری و به منظور تحقیق درباره این مطلب که آیا ماتریس همبستگی داده ها در جامعه صفر نیست، از آزمون کرویت بارتلت استفاده شد. نتایج این دو آزمون در جدول ۲ نمایش داده شده است.

جدول ۲. اندازه های KMO و آزمون کرویت بارتلت

مقدار KMO	آزمون کرویت بارتلت	df	معناداری
۰/۸۳۳	۱۲۰۵۰/۹۳	۳۳۲۱	۰/۰۰۱

چنان که در این جدول دیده می شود، مقدار KMO برابر با ۰/۸۳۳ و سطح معنادار بودن آزمون کرویت بارتلت نیز کمتر از ۰/۰۰۱ است. بنابراین، بر پایه هر دو ملاک می توان نتیجه گرفت که اجرای تحلیل عاملی بر اساس ماتریس همبستگی حاصل در نمونه مورد مطالعه، قابل توجیه خواهد بود. بر پایه این داده ها می توان به استخراج عامل ها اطمینان کرد. برای اینکه، استخراج عامل ها مناسب و هماهنگ با ساختار فرهنگی و اجتماعی گروه نمونه باشد، چندین بار تحلیل عاملی با روش های مختلف اجرا شد که بر این اساس، در تعداد عامل ها، حداقل مقدار ویژه و حداقل بارهای عاملی تغییرات متعددی اجرا شد تا در نهایت بتوان بهترین ساختار عاملی را ارائه داد. با توجه به اینکه نمودار Scree تعداد عامل های زیادی را پیشنهاد داد (۲۲ عامل با ارزش ویژه حداقل ۱) و با توجه به رعایت پیش فرض هایی که در بخش های قبلی بدان ها اشاره شد، در نهایت پیشنهاد شد تا راه حل نه عاملی اجرا و نتایج حاصل استخراج شود. پس از چندین بار اجرای تحلیل عاملی و استخراج عامل های متعدد و مقایسه عامل های استخراج شده با ساختار نظری مقیاس و مبانی نظری موجود و نیز در نظر گرفتن مفروضه های تحلیل عاملی که در بالا به آن ها اشاره شد تعداد ۹ عامل با روش واریماکس استخراج شد. مشخصه های آماری که در اجرای تحلیل مؤلفه های اصلی به دست آمده، در جدول ۳ نمایش داده شده است. همان گونه که دیده می شود، ارزش های ویژه ۹ عامل بزرگ تر از ۲ است و درصد پوشش واریانس مشترک بین متغیرها برای این ۹ عامل بر روی هم ۵۶ درصد کل واریانس را تبیین می کند.

جدول ۳. مقادیر ارزش ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تراکمی عوامل نه گانه

عامل	ارزش ویژه	درصد واریانس	درصد تراکمی
۱	۲۲/۴۷	۲۷/۴۱	۲۷/۴۱
۲	۳/۹۲	۷/۷۹	۳۵/۲۰
۳	۳/۰۲	۴/۶۸	۳۹/۸۸
۴	۲/۵۰	۳/۰۵	۴۲/۹۴
۵	۲/۴۳	۲/۹۶	۴۵/۹۰

								یکدیگر
-	۰/۵۸	-	-	-	-	-	-	۷- هم سطح بودن خانواده‌های هر دو طرف
-	-	-	-	۰/۵۵	-	-	-	۸- رفیق‌بازی و معاشرت زیاد از حد با دوستان
-	-	-	۰/۵۷	-	-	-	-	۹- امیدوار و خوش‌بین بودن در زندگی
-	-	-	-	۰/۵۶	-	-	-	۱۰- داشتن وقت اختصاصی برای یکدیگر جهت شنیدن رازهای هم
-	-	-	-	-	-	-	۰/۷۲	۱۱- تحقیر و توهین کردن به همدیگر
۰/۴۱	-	-	-	-	-	-	-	۱۳- روابط خوب با اهالی محل و همسایه
-	-	-	-	-	-	۰/۴۱	-	۱۴- اهل شوخی و مزاح بودن
-	-	-	-	-	-	-	۰/۵۲	۱۵- هدیه دادن به همدیگر
-	-	-	-	-	-	-	۰/۶۹	۱۶- خشونت کلامی نسبت به یکدیگر
۰/۵۲	-	-	-	-	-	-	-	۱۷- دخالت بیجای خانواده‌های یکدیگر در زندگی مشترکتان
۰/۴۱	-	-	-	-	-	-	-	۱۸- منزوی بودن و نداشتن ارتباط با دیگران
-	-	-	-	-	-	۰/۶۹	-	۱۹- داشتن افکار منفی نسبت به یکدیگر
-	-	-	-	-	-	-	۰/۵۷	۲۱- خشونت فیزیکی نسبت به یکدیگر
۰/۶۵	-	-	-	-	-	-	-	۲۲- دخالت خودمان در مسائل خانواده‌های پدری
-	۰/۵۰	-	-	-	-	-	-	۲۳- توافق در زمینه ارزش‌ها و مراسمات اجتماعی و فرهنگی
-	-	-	-	-	-	-	۰/۵۴	۲۴- پیش‌داوری‌ها و قضاوت‌های ناعادلانه نسبت به همدیگر
-	-	-	۰/۶۴	-	-	-	-	۲۶- لجبازی و تلافی کردن نسبت به یکدیگر

-	۰/۷۱	-	-	-	-	-	-	۲۷- اشتراک نظر در مورد باورها و اعتقادات مذهبی
-	-	-	-	-	۰/۵۸	-	-	۲۹- روابط جنسی رضایت‌بخش
-	-	-	-	-	-	-	۰/۵۰	۳۱- مشاجره و دعوی شدید با همدیگر در هنگام تعارضات
-	-	-	-	۰/۴۹	-	-	-	۳۲- سلامت جسمی و اهمیت دادن به ورزش و رسیدگی به جسم خود
-	۰/۵۰	-	-	-	-	-	-	۳۳- داشتن اعتقادات و باورهای مذهبی قوی
-	-	-	-	-	۰/۵۸	-	-	۳۴- وجود صمیمیت جنسی و توجه به نیازهای جنسی همدیگر
-	-	-	-	-	-	-	۰/۵۳	۳۶- زورگویی علیه یکدیگر
-	-	-	-	-	۰/۵۴	-	-	۳۷- داشتن ظاهر زیبا و جذابیت ظاهری
-	-	-	-	-	-	۰/۴۷	-	۳۸- مسئولیت‌پذیر بودن نسبت به وظایف خود
-	-	-	-	-	۰/۷۳	-	-	۳۹- ارتباط جسمی و فیزیکی خوب و گرم و پرهیجان بودن نسبت به همدیگر
-	-	-	-	۰/۵۳	-	-	-	۴۰- هماهنگی و وقت گذاشتن در زمینه تفریحات و مسافرت
-	-	-	-	-	-	-	۰/۴۸	۴۱- گذشت کردن و بخشش هنگام اشتباه و قصور
-	-	-	-	-	۰/۷۴	-	-	۴۲- رسیدگی کردن به ظاهر خود و آراسته بودن
-	-	-	-	-	-	۰/۴۵	-	۴۳- مشارکت کردن در کارهای خانه
-	-	-	-	-	۰/۶۹	-	-	۴۴- ابراز علاقه و محبت کلامی به همدیگر
-	-	-	-	۰/۷۳	-	-	-	۴۵- خوش‌مشرب بودن و اهمیت دادن به اوقات فراغت
-	-	-	-	-	-	-	۰/۶۷	۴۶- شنونده خوب بودن در

مقابل یکدیگر								
-	-	-	۰/۸۱	-	-	-	-	۴۷- توجه به خواسته های همدیگر در مورد آراستگی ظاهری و پوشش
-	-	-	-	-	-	۰/۶۰	-	۴۸- مشارکت کردن در تربیت فرزندان
-	-	-	۰/۷۱	-	-	-	-	۴۹- علاقه داشتن به صفات و عادات رفتاری و شخصیتی یکدیگر
-	-	-	-	-	-	-	۰/۵۹	۵۰- بحث و تبادل نظر با هم برای حل تعارضات و مشکلات
-	-	-	-	-	-	-	۰/۷۱	۵۱- همدلی و درک یکدیگر در شرایط مختلف
-	-	۰/۵۸	-	-	-	-	-	۵۲- اطمینان و اعتماد داشتن به همدیگر
-	-	-	-	-	-	۰/۴۶	-	۵۳- مشارکت کردن در کارهای بیرون از خانه
-	-	-	-	-	-	-	۰/۸۰	۵۴- راحت بودن در بیان احساسات واقعی و بیان خواسته ها و نیازها به یکدیگر
-	-	-	-	-	-	-	۰/۷۲	۵۵- در میان گذاشتن مشکلات با یکدیگر
-	-	-	-	-	-	-	۰/۶۷	۵۸- احترام به همدیگر
-	-	-	-	-	-	-	-	۵۹- مشورت با همدیگر در تصمیم گیری های مربوط به زندگی مشترک
-	-	-	۰/۴۳	-	-	-	-	۶۰- توافق در مورد محل زندگی
-	-	-	-	-	-	-	۰/۵۳	۶۱- موافقت با ادامه تحصیل و کمک به همدیگر در تحصیل کردن
-	-	-	۰/۴۰	-	-	-	-	۶۳- توافق در مورد داشتن فرزند و تعداد آنها
-	-	-	-	-	-	-	۰/۵۲	۶۴- حمایت از یکدیگر در جمع
-	-	۰/۵۲	-	-	-	-	-	۶۵- وفاداری و تعهد به همدیگر

-	-	-	-	-	-	-	۰/۴۴	-	۶۶- کمک به همدیگر در انجام کارهای شخصی
-	-	-	-	-	-	-	۰/۵۷	-	۶۷- حسادت نسبت به یکدیگر
-	-	-	۰/۶۸	-	-	-	-	-	۶۸- توافق بر سر شیوهی تربیت فرزند
-	-	-	-	-	۰/۵۲	-	-	-	۶۹- وجود رابطه دوستانه و صمیمانه بین خودمان
-	-	-	-	-	-	-	۰/۴۷	-	۷۱- توجه به پیشرفت و موفقیت فردی طرف مقابل
-	-	-	-	-	-	-	-	۰/۴۸	۷۲- کینه‌ای بودن نسبت به همدیگر
-	-	-	-	-	-	-	۰/۶۸	-	۷۳- اهمیت دادن به تربیت و نیازهای فرزندان
-	-	-	-	-	-	-	۰/۵۷	-	۷۴- قدردانی از یکدیگر
-	-	-	-	۰/۷۱	-	-	-	-	۷۵- دیر آمدن به خانه
-	-	-	۰/۶۷	-	-	-	-	-	۷۶- همبستگی و اتحاد با یکدیگر
-	-	-	-	-	-	-	۱/۴۲	-	۷۷- داشتن افکار و رفتارهای وسواسی
-	-	-	-	-	-	-	۱/۵۱	-	۷۸- منصف بودن در روابط و مسئولیت‌های زندگی مشترک
-	-	-	-	-	-	۰/۶۲	-	-	۷۹- اطلاع داشتن از نیازهای یکدیگر
-	-	-	-	-	-	-	۱/۵۷	-	۸۱- باثبات و قابل پیش‌بینی بودن رفتار همدیگر
-	-	-	۰/۶۰	-	-	-	-	-	۸۲- بدبینی و بددل بودن در زندگی مشترک
-	-	-	-	-	-	-	۰/۴۷	-	۸۳- در اولویت بودن همسران

نتیجه چرخش متعامد عامل‌ها نشان داد که از میان ۸۲ ماده باقیمانده، تعداد ۱۱ ماده (۲، ۱۲، ۲۰، ۲۵، ۳۰، ۳۵، ۵۶، ۶۲، ۷۰، ۸۴ و ۸۶) دارای بار عاملی کمتر از ۰/۴ است. بنابر آنچه در بالا گفته شد، بر پایه نتایج تحلیل مواد مقیاس که بر اثر اجرای روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PC) به‌دست آمده، تعداد عامل‌هایی که مبنای تعیین مشخصه‌های نهایی قرار گرفته ۹ عامل بوده است.

بر پایه ماتریس ساختار عامل‌ها، ماده‌هایی که مشترکاً با یک عامل همبسته بوده تشکیل یک پاره آزمون می‌دهند به شرح زیر و به ترتیب بیشترین بار عاملی استخراج و نام‌گذاری گردید. بر اساس نتایج به دست آمده عامل‌ها به صورت زیر نام‌گذاری گردید: شیوه ارتباط و حل تعارض مناسب؛ حمایت، توجه، احترام و قدردانی به یکدیگر؛ ویژگی‌های شخصیتی و مسئولیت‌پذیری؛ صمیمیت و کیفیت رابطه جنسی؛ کیفیت زندگی مشترک و گذراندن وقت و تفریحات؛ همخوانی زوجین و انعطاف‌پذیر بودن؛ تعهد و وفاداری؛ داشتن ارزش‌ها، فرهنگ و تجارب معنوی مشترک و ارتباط با اجتماع، خانواده‌ها و دوستان.

نتایج حاصل از فرمول کلی آلفای کرونباخ که در مورد عامل‌های ۹ گانه عوامل ماندگاری ازدواج‌های پایدار رضایتمند به کار رفته و ضرایب همبستگی بین نمره کل و عوامل نه‌گانه با نمره کل مقیاس ارزیابی رابطه (RAS) برای بررسی روایی ملاکی مقیاس در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵. ضرایب پایایی و همبستگی بین نمره کل و عوامل نه‌گانه با مقیاس ارزیابی رابطه (RAS)

عامل	پایایی		روایی	
	تعداد ماده	پایایی	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
اول	۱۴	۰/۸۷	۰/۶۲	۰/۰۰۱
دوم	۱۲	۰/۸۵	۰/۶۰	۰/۰۰۱
سوم	۱۰	۰/۷۶	۰/۶۰	۰/۰۰۱
چهارم	۸	۰/۸۷	۰/۶۴	۰/۰۰۱
پنجم	۷	۰/۷۳	۰/۵۱	۰/۰۰۱
ششم	۸	۰/۸۰	۰/۶۱	۰/۰۰۱
هفتم	۴	۰/۷۲	۰/۶۱	۰/۰۰۱
هشتم	۴	۰/۷۱	۰/۵۰	۰/۰۰۱
نهم	۴	۰/۷۲	۰/۵۲	۰/۰۰۱
کل	۷۱	۰/۹۶	۰/۶۸	۰/۰۰۱

با توجه به این که ضرایب آلفای کرونباخ کلیه‌ی عوامل بالاتر از ۰/۷۰ است، می‌توان گفت عوامل به دست آمده پایا می‌باشند. همچنین، ضریب همبستگی بین نمره هر عامل با نمره مقیاس ارزیابی رابطه در سطح کمتر از ۰/۰۰۱ معنادارند که این ضرایب نشان دهنده روایی سازه عوامل مذکور است. برای بررسی ساختار عاملی مقیاس ساخته شده، با معرفی ماده‌های تحت هر عامل به نرم‌افزار AMOS، الگوی اندازه‌گیری متغیرهای نهفته و پارامترهای اندازه‌گیری ماده‌های مرتبط با

آن‌ها ارائه گردید. جدول ۶ بارهای عاملی مدل اندازه‌گیری مقیاس را با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی نشان می‌دهد.

جدول ۶. بارهای عاملی مقیاس ازدواج خوشبخت با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی

عامل	ماده	برآورد پارامتر b	پارامتر استاندارد B	خطای معیار P	عامل	ماده	برآورد پارامتر b	پارامتر استاندارد B	خطای معیار P
اول	۱	۰/۳۶	۰/۲۱	۰/۱۱	چهارم	۲۹	۱/۵۸	۰/۶۷	۰/۳۴
	۶	۰/۵۱	۰/۳۳	۰/۱۰		۳۴	۱/۶۳	۰/۷۰	۰/۳۴
	۱۱	۰/۵۱	۰/۳۶	۰/۰۹		۳۷	۱	۰/۳۲	-
	۱۶	۰/۷۳	۰/۵۶	۰/۰۹		۳۹	۲/۰۲	۰/۸۰	۰/۴۲
	۲۱	۰/۴۱	۰/۴۱	۰/۰۷		۴۲	۱/۵۹	۰/۶۷	۰/۳۴
	۲۴	۰/۷۵	۰/۵۰	۰/۱۱		۴۴	۲/۰۵	۰/۷۵	۰/۴۳
	۳۱	۰/۹۸	۰/۶۸	۰/۱۱		۶۹	۱/۸۶	۰/۷۵	۰/۳۶
	۴۱	۰/۸۹	۰/۵۹	۰/۱۱		۷۹	۱/۷۳	۰/۷۲	۰/۴۵
	۴۶	۱/۱۲	۰/۷۲	۰/۱۲		۳	۱/۴۳	۰/۴۶	۰/۲۸
	۵۰	۱	۰/۵۹	-		۸	۰/۱۷	۰/۰۴	۰/۲۸
دوم	۵۴	۱/۴۶	۰/۸۱	۰/۱۵	پنجم	۱۰	۲/۶۷	۰/۶۵	۰/۸۰
	۵۵	۱/۲۶	۰/۷۳	۰/۱۴		۳۲	۱/۸۱	۰/۳۹	۰/۶۰
	۵۹	۱/۱۳	۰/۸۳	۰/۱۱		۴۰	۲/۴۷	۰/۶۰	۰/۷۵
	۷۲	۰/۵۳	۰/۳۷	۰/۱۰		۴۵	۲/۷۸	۰/۲۳	۰/۸۲
	۵	۰/۹۴	۰/۵۸	۰/۱۲		۷۵	۱	۰/۷۲	-
	۱۵	۱/۰۹	۰/۵۳	۰/۱۶		۹	۱/۴۳	۰/۵۵	۰/۲۶
	۳۶	۱	۰/۶۳	۰/۱۳		۲۶	۱	۰/۴۰	-
	۵۱	۱/۶۱	۰/۸۴	۰/۱۷		۴۷	۲/۰۴	۰/۷۸	۰/۳۳
	۵۸	۱/۳۵	۰/۸۲	۰/۱۵		۴۹	۲/۱۲	۰/۸۱	۰/۳۴
	۶۱	۱/۴۶	۰/۵۷	۰/۲۰		۶۰	۱/۳۶	۰/۵۲	۰/۲۵
سوم	۶۴	۴/۲۸	۰/۶۴	۰/۱۶	ششم	۶۳	۰/۸۹	۰/۲۶	۰/۲۶
	۶۶	۱	۰/۵۵	-		۶۸	۰/۸۹	۰/۴۷	۰/۲۷
	۶۷	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۱۳		۷۶	۱/۳۸	۰/۸۰	۰/۳۲
	۷۱	۱/۰۳	۰/۵۱	۰/۱۵		۴	۲	۰/۲۳	-
	۷۴	۱/۴۵	۰/۶۹	۰/۱۸		۵۲	۱	۰/۷۶	۰/۸۹
	۸۳	۰/۸۳	۰/۴۶	۰/۱۳		۶۵	۲/۹۶	۰/۶۴	۰/۴۸
	۱۴	۰/۶۰	۰/۳۹	۰/۱۰		۸۲	۱/۵۶	۰/۶۱	۰/۸۱
	۱۹	۰/۴۳	۰/۳۲	۰/۰۹		۷	۲/۶۱	۰/۳۹	۰/۲۸
	۳۸	۰/۶۴	۰/۵۲	۰/۰۸		۲۳	۱/۱۲	۰/۴۷	۰/۲۷
	۴۳	۰/۸۰	۰/۴۷	۰/۱۱		۲۷	۱/۹۵	۰/۷۰	۰/۴۲
سوم	۴۸	۱	۰/۷۱	-	۳۳	۱	۰/۳۹	-	
	۵۳	۰/۹۱	۰/۵۸	۰/۱۰	۱۳	۱/۳۶	۰/۴۱	۰/۴۵	
	۷۳	۰/۵۰	۰/۴۰	۰/۰۸	۱۷	۱/۳۸	۰/۴۵	۰/۴۵	
	۷۷	۰/۵۵	۰/۳۷	۰/۰۹	۱۸	۱/۲۴	۰/۴۱	۰/۴۱	
	۷۸	۰/۹۱	۰/۷۰	۰/۰۸	۲۲	۱	۰/۲۸	-	
۸۱	۰/۹۰	۰/۶۴	۰/۰۹						

اجرای تحلیل عامل تأییدی مقیاس عوامل ماندگاری ازدواج‌های پایدار رضایتمند، منجر به حذف ماده ۸ و ۶۷ به ترتیب از عامل‌های دوم و پنجم گردید. بنابراین، این دو ماده به علت نداشتن بار عاملی مناسب از مقیاس نهایی کنار گذاشته شده‌اند. چنانکه در جدول ۶ مشاهده می‌شود، ضرایب بتا و مقادیر نسبت بحرانی متناظر آن‌ها، تأثیر معنادار ماده‌های مختلف مقیاس عوامل ماندگاری ازدواج‌های پایدار رضایتمند در اندازه‌گیری عامل‌های مربوطه را نشان می‌دهد؛ بنابراین، روایی تأییدی مقیاس نهایی با تعداد ۶۹ ماده در ۹ عامل مورد تأیید قرار گرفت. پس از برآورد قدرت اثر هر یک از متغیرهای مشاهده شده در اندازه‌گیری متغیر نهفته و آزمون معناداری این سهم، برازندگی مدل مسیر به‌دست‌آمده مورد بررسی قرار گرفت. جدول ۷ شاخص‌های نیکویی برازش مدل اندازه‌گیری مقیاس عوامل ماندگاری ازدواج‌های پایدار رضایتمند را در تحلیل عاملی تأییدی نشان می‌دهد.

جدول ۷. شاخص‌های نیکویی برازش مدل اندازه‌گیری مقیاس ازدواج خوشبخت در تحلیل عامل تأییدی

مقدار	شاخص
۶۸۷۳/۶۵	آزمون نیکویی برازش مجذور کای (χ^2)
۲۲۴۱	درجه آزادی (df)
۰/۰۰۱	ارزش p
۳/۰۶	نسبت مجذور کای به درجه آزادی (CMIN/DF)
۰/۹۵۹	شاخص نیکویی برازش (GFI)
۰/۹۴۷	شاخص برازش تطبیقی (CFI)
۰/۰۶	ریشه میانگین مجذور خطای تقریب (RMSEA)
۰/۰۰۱	احتمال نزدیکی برازندگی (PCLOSE)

شاخص‌های ارائه شده از نیکویی برازش الگوی به‌دست‌آمده در تحلیل عاملی تأییدی با داده‌های جمع‌آوری شده حکایت می‌کند. به عبارت دیگر ساختار ۹ عاملی مقیاس عوامل ماندگاری ازدواج‌های پایدار رضایتمند، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

بحث

هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل تداوم ازدواج‌های پایدار خوشبخت و تهیه و ساخت پرسشنامه‌ای بر اساس عوامل تداوم ازدواج‌های پایدار خوشبخت از دیدگاه مردان متأهل بود. بر این اساس نتایج تحلیل عامل اکتشافی به دست آمده نشان داد که عوامل تداوم ازدواج‌های طولانی‌مدت رضایتمند از نظر مردان به ترتیب عبارت‌اند از، ۱. سبک ارتباط و حل تعارض مناسب،

۲. حمایت، توجه، احترام و قدردانی به یکدیگر، ۳. ویژگی‌های شخصیتی و مسئولیت پذیری، ۴. صمیمیت و کیفیت رابطه‌ی جنسی، ۵. کیفیت زندگی مشترک و گذراندن وقت و تفریحات، ۶. تطابق زوجها و انعطاف‌پذیر بودن، ۷. تعهد و وفاداری، ۸. داشتن ارزش‌ها، فرهنگ و تجارب معنوی مشترک و ۹. ارتباط با اجتماع، خانواده‌ها و دوستان. در مجموع این ۹ عامل توانستند ۵۶ درصد واریانس عوامل تداوم ازدواج‌های طولانی‌مدت رضایت‌مند را تبیین کنند که عامل اول "سبک ارتباط و حل تعارض مناسب" به تنهایی ۲۷ درصد را تبیین می‌کند. نتایج تحلیل عامل تأییدی نیز ساختار عاملی پرسشنامه نهایی به دست آمده را با پس از حذف دو ماده، با تعداد ۶۹ ماده در ۹ عامل مورد تأیید قرار داد. عامل اول شامل ۱۴ ماده، عامل دوم شامل ۱۱ ماده، عامل سوم شامل ۱۰ ماده، عامل چهارم شامل ۸ ماده، عامل پنجم شامل ۶ ماده، عامل ششم شامل ۸ ماده، عامل هفتم شامل ۴ ماده، عامل هشتم شامل ۴ ماده و عامل نهم شامل ۴ ماده.

نتایج پژوهش نشان داد که از دیدگاه مردان، "سبک ارتباط و حل تعارض مناسب" مهم‌ترین عامل در تداوم ازدواج طولانی رضایت‌مند آن‌ها بوده است. شرکت‌کنندگان در بیان عوامل تداوم ازدواج‌های طولانی‌مدت رضایت‌مند، بر موارد ارتباطی مانند، عدم انتقاد و سرزنش کردن، عدم تحقیر و توهین، عدم وجود خشونت کلامی، پرهیز از پیش‌داوری‌ها و قضاوت‌های ناعادلانه نسبت به همدیگر، شنونده خوب بودن، راحت بودن در بیان احساسات واقعی و بیان خواسته‌ها و نیازها، در میان گذاشتن مشکلات با یکدیگر، مشورت با همدیگر در تصمیم‌گیری‌های مربوط به زندگی مشترک و عدم کینه‌ای بودن به عنوان نمونه‌ای از روابط مثبت مؤثر اشاره کردند. همچنین، بر مواردی از نحوه حل تعارضات مانند، عدم مشاجره و دعوی شدید با همدیگر در هنگام تعارضات گذشت کردن و بخشش هنگام اشتباه و قصور و بحث و تبادل نظر با هم برای حل تعارضات و مشکلات، کنترل خشم در مواقع عصبانیت و دعوا و عدم وجود خشونت فیزیکی اشاره داشته‌اند. یافته به دست آمده با نتایج پژوهش‌های مانند لونر و همکاران (۲۰۱۶)؛ شریف و همکاران (۲۰۱۳)؛ رپتی و همکاران (۲۰۰۹)، نیمتیز (۲۰۱۱)؛ داناوان (۲۰۰۴)؛ آسوده و همکاران (۲۰۱۱) مطابقت دارد. کاسلوف و رابیسون (۱۹۹۶) در بررسی عوامل تداوم ازدواج به ارتباطات باز، مستقیم و منظم به عنوان عاملی مهم در ازدواج‌های موفق اشاره کرده‌اند. همچنین، فنل (۱۹۹۳) و مک‌نولتی (۲۰۰۸) به توانایی عفو و گذشت و مورد گذشت واقع شدن به عنوان عاملی مهم اشاره کرده است. ماسکی و ابراین (۱۹۹۵) به عامل کنترل و مدیریت تعارضات در تداوم ازدواج‌هایی زن و شوهر با هم رشد می‌کنند، اشاره دارد. ارتباط به زوجین اجازه می‌دهد که در یک سطح کاملاً عملی با هم بحث کنند، به حل مشکلات بپردازند و اطلاعات مهم را مبادله کنند. زوج‌هایی که نمی‌توانند اختلاف‌ها را به توافق تبدیل کنند، اغلب در سیکل نیازهای ناتمامی که سال‌ها تکرار شده است، گیر می‌کنند. اما، وقتی زوجها دارای خطوط باز ارتباطی باشند، آن‌ها از یکدیگر به عنوان حامی و به عنوان یک آینه انعکاس دهنده برای مشکلات استفاده می‌کنند. از زاویه‌ای دیگر، وقتی زوجها

انواع دیگری از مشکلات را دارند، دچار مشکلات ارتباطی نیز می‌شوند. وقتی زوجها دارای مشکلات جدی هستند، گرایش دارند که ارتباط کمتری برقرار کنند و چون اطلاعات کمتری مبادله می‌شود احتمال سوءتفاهم افزایش می‌یابد (یانگولانگ، ۱۹۹۸). جنبه دیگر مقوله ارتباط، نحوه برخورد با تعارض است. تعارض نباید همیشه به صورت مسئله‌ای منفی در روابط تلقی شود، بلکه روشی که زوجها برای مدیریت و حل تعارضاتشان انتخاب می‌کنند، تأثیر منفی بیشتری نسبت به خود تعارض بر رابطه می‌گذارد (گاتمن و سیلور، ۲۰۰۰). بر این اساس محققان به جای تمرکز بر وجود یا عدم وجود تعارض و فراوانی آن در خانواده‌ها، بر چگونگی حل تعارض در زوجها و روش‌هایی که آنان به کار می‌برند، تمرکز کرده‌اند.

"حمایت، توجه، احترام و قدردانی از یکدیگر" عامل دوم بااهمیت در تداوم ازدواج طولانی رضایت‌مند بوده است. شرکت‌کنندگان در بیان عوامل تداوم ازدواج‌های طولانی مدت رضایت‌مند، بر مواردی مانند، منزوی نبودن و داشتن ارتباط با دیگران، روابط خوب با اهالی محل و همسایه، عدم دخالت بیجای خانواده‌های یکدیگر در زندگی مشترکتان و عدم دخالت خود زوجها در مسائل خانواده‌های پدری اشاره داشته‌اند. یافته به دست آمده با نتایج پژوهش‌های بسیاری مانند بلاچ و همکاران (۲۰۱۴)؛ آلفورد-کوپر (۱۹۹۸)؛ نیمتز (۲۰۱۱)؛ داناون (۲۰۰۴)؛ آسوده و همکاران (۲۰۱۱) و فنل (۱۹۹۳) مطابقت دارد. کاسلوف و رایسون (۱۹۹۶) در بررسی عوامل تداوم ازدواج به تشویق و ارائه یک سیستم حمایتی و تعلق فردی به خانواده برای رشد و پرورش شخصی؛ سپاسگزاری، بیان و توجه مثبت به طرف مقابل بدون داشتن چشم‌داشت اشاره کرده‌اند. همچنین، کلاگس‌بورن (۱۹۸۵) به قدردان بودن به عنوان عاملی مهم اشاره کرده است. ماسکی و ابراین (۱۹۹۵) به عامل تصمیم‌گیری دوجانبه و مشارکتی، احترام، درک و برابری در رابطه در تداوم ازدواج‌هایی زن و شوهر با هم رشد می‌کنند، اشاره دارد. ازدواج یک سیستم حمایتی ایجاد می‌کند که در آن، مشکلات و تضادها پردازش و حل می‌شوند (دهلی، لارسن و لاندروز، ۲۰۰۱). زوجها موفق، به موقع از همدیگر حمایت کرده و علیرغم اختلاف‌نظرها، به خواسته‌های طرف مقابل توجه نشان می‌دهند. احترام، اطمینان و درک شدن از سوی همسر در سال‌های اول ازدواج برای رضایت زن‌ناشویی حیاتی هستند. با این حال در سال‌هایی که فرزندان والدین را ترک می‌کنند؛ متقابل بودن این ارزش‌ها برای افزایش رضایت حیاتی است. یک ازدواج موفق با عشق و احترام متقابل همراه است که فراتر از تمایل جنسی است و در میزان نزدیکی و صمیمیتی نقش دارد که فقط در طی زمان توسعه می‌یابد.

"ویژگی‌های شخصیتی و مسئولیت‌پذیری" سومین عامل در تداوم ازدواج طولانی رضایت‌مند بوده است. در این عامل شرکت‌کنندگان بر مواردی مانند، اهل شوخی و مزاح بودن، نداشتن افکار و رفتارهای وسواسی، منصف بودن در روابط و مسئولیت‌های زندگی مشترک، مسئولیت‌پذیر بودن نسبت به وظایف خود، مشارکت کردن در کارهای خانه، تربیت فرزندان و کارهای بیرون از خانه و

اهمیت دادن به تربیت و نیازهای فرزندان، نداشتن افکار منفی نسبت به یکدیگر و باثبات و قابل پیش‌بینی بودن رفتار همدیگر اشاره داشته‌اند. یافته به دست آمده با نتایج پژوهش‌های بسیاری مانند خوش‌دشت و همکاران (۲۰۱۶) و ویا و همکاران (۲۰۱۳) مطابقت دارد. روابط زناشویی از عوامل مختلف اثر می‌پذیرد که برخی از مهم‌ترین آن‌ها ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های هیجانی، ارتباطی، تجربی، بازخوردی، و انگیزشی فرد هستند که در طی زمان ثابت فرض شده‌اند (کاستا و مک‌کری^۱، ۱۹۸۸). زوجینی که بیش از ۲۵ سال با یکدیگر بوده‌اند احتمالاً یک دسته ویژگی مشترک دارند که امکان حفظ ارتباط در زمان سختی‌ها و مشکلاتی که برای همه حتمی و در‌دسرساز هستند، را می‌دهد (کاسلوف و رابیسون، ۱۹۹۶). ویژگی‌های شخصیتی بسیار متنوع و متعدد هستند و برخی از آن‌ها دخالت بیشتری در رضایت از زندگی مشترک دارند، گاهی اوقات تشابهات و در برخی مواقع تفاوت‌ها در ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند پیش‌بینی کننده تداوم و موفقیت در ازدواج باشد. به‌طور کلی می‌توان گفت که زوجها در ازدواج‌های بادوام رضایت‌مند از ویژگی‌های شخصیتی یکدیگر رضایت داشته و آن‌ها را می‌پذیرند. همچنین، مسئولیت‌پذیر بودن زوجها بسیار بااهمیت است. زوجها موفق، در زمینه پذیرش مسئولیت‌های خود بهتر عمل می‌کنند آن‌ها روی کمک و مسئولیت‌پذیری طرف مقابل حساب کنند، که این مسئله به افزایش بازده و بهره‌وری منجر می‌شود.

"صمیمیت و کیفیت رابطه جنسی" چهارمین عامل در تداوم ازدواج طولانی رضایت‌مند مردان بوده است. شرکت‌کنندگان در بیان عوامل تداوم ازدواج‌های طولانی‌مدت رضایت‌مند، بر مواردی مانند، روابط جنسی رضایت‌بخش، وجود صمیمیت جنسی و توجه به نیازهای جنسی همدیگر، ابراز علاقه و محبت کلامی به همدیگر، وجود رابطه دوستانه و صمیمانه بین خود، اطلاع داشتن از نیازهای یکدیگر و ارتباط جسمی و فیزیکی خوب و گرم و پرهیجان بودن، داشتن ظاهر زیبا و جذابیت ظاهری و رسیدگی کردن به ظاهر خود و آراسته بودن اشاره داشته‌اند. یافته به دست آمده با نتایج پژوهش‌های بسیاری مانند ایمپت و همکاران (۲۰۱۴)، گالینسکی و وایت (۲۰۱۵) و ماسکی و ابراین (۱۹۹۵) مطابقت دارد. لوینگر (۱۹۷۶) معتقد است که احتمال دوام ازدواج به سه عامل بستگی دارد که مهم‌ترین عامل، جذابیت یا کشش متقابل است که منجر به ایمنی و رضایت جنسی می‌شود. یک رابطه جنسی رضایت‌بخش آن‌قدر مهم است که گرلی (۱۹۹۴) معتقد است با نزدیک‌تر کردن زوجها از نظر عاطفی به یکدیگر و از بین بردن تنش، باعث سلامت ازدواج می‌شود. همچنین، به نظر فنل (۱۹۹۳)، دوستی بین زوجین، به تقویت رابطه منجر می‌شود که از زندگی زوجها در کنار یکدیگر حمایت می‌کند و می‌تواند به ایجاد رابطه‌ی جنسی گرم و مطمئن و یک رابطه‌ی فیزیکی لذت‌بخش و غنی توأم با تعهد منجر شود. ابراز میل جنسی در روابط بلندمدت زوجها، در سلامت زناشویی نقش دارد. اغلب تصور می‌شود که رابطه جنسی یکی از فعالیت‌های

بیولوژیکی است که با افزایش سن زوجها از بین می‌رود. اما بسیاری از زوجها از یک رابطه جنسی سالم در سرتاسر زندگی خود لذت می‌برند (کاپلان، ۱۹۹۰).

"کیفیت زندگی مشترک و گذراندن وقت و تفریحات" پنجمین عامل در تداوم ازدواج طولانی رضایت‌مند آن‌ها بوده است. یافته به دست آمده با نتایج پژوهش‌های بسیاری مانند ماسکی و ابراین (۱۹۹۵)؛ فنل (۱۹۹۳) و آسوده و همکاران (۲۰۱۱) مطابقت دارد. در این عامل نیز شرکت‌کنندگان به وقت گذاشتن برای همسر و فرزندان، خوش مشرب بودن و اهمیت دادن به اوقات فراغت، هماهنگی و وقت گذاشتن در زمینه تفریحات و مسافرت، سلامت جسمی و اهمیت دادن به ورزش و رسیدگی به جسم خود، داشتن وقت اختصاصی برای یکدیگر جهت شنیدن رازهای هم اشاره داشته‌اند. یکی از حوزه‌های کلیدی که در آن زوجها در ازدواج‌های بادوام رضایت‌مند نشان دادند، زمانی است که زوجها و خانواده‌ها با هم می‌گذرانند. اختصاص زمانی برای با هم بودن برای زوج-ها از آن جهت مهم است که پیوندهای زناشویی خود را حفظ کرده و بسازند. زوجها موفق برای متعادل‌سازی تعهدات کاری و خانوادگی خود به عنوان روشی برای خلق ازدواج‌های پایدار و قوی، می‌توانند نقش‌های مثبت‌تر و پیامدهای بهتری نیز برای فرزندان خود فراهم آورند.

"نطباق زوجها و انعطاف‌پذیری بودن" ششمین عامل در تداوم ازدواج طولانی رضایت‌مند آن‌ها بوده است. شرکت‌کنندگان به همبستگی و اتحاد با یکدیگر، توجه به خواسته‌های همدیگر در مورد آراستگی ظاهری و پوشش، لجبازی و تلافی نکردن نسبت به یکدیگر، علاقه داشتن به صفات و عادات رفتاری و شخصیتی یکدیگر، توافق در مورد محل زندگی و شیوه تربیت فرزند امیدوار و خوش‌بین بودن در زندگی و توافق در مورد داشتن فرزند و تعداد آن‌ها اشاره داشته‌اند. یافته به دست آمده با نتایج پژوهش‌های بسیاری مانند کاسلوف و رابیسون (۱۹۹۶)؛ کلاگس‌بورن (۱۹۸۵)؛ لاور و لاور (۱۹۸۶) و دانائوان (۲۰۰۴) مطابقت دارد. طبق گفته هالفورد (۲۰۰۰) رویدادهای زندگی می‌توانند تأثیرات مثبت یا منفی بر یک رابطه داشته باشند، این مسئله به قدرت فرآیندهای انطباقی زوجها بستگی دارد. انطباق‌پذیری به مقدار توانایی افراد خانواده یا زوجین در تغییر روابط، نقش‌ها و قواعد اشاره می‌کند. مفاهیم و متغیرهای خاصی که نشانه انطباق‌پذیری هستند عبارت‌اند از: رهبری (کنترل و انضباط)، سبک گفتگو، نقش‌های افراد و قواعد رابطه‌ای. انطباق‌پذیری به این مسئله اشاره می‌کند که سیستم‌ها چگونه بین ثبات و تغییر تعادل برقرار کنند (السون و السون، ۲۰۰۰). انطباق‌پذیری چهار سطح دارد که به صورت خشک^{۱۵} (خیلی پایین)، با ساختار^۲ (پایین تا متوسط)، انعطاف‌پذیر^۳ (متوسط تا بالا) و هرج و مرج گونه^۴ (خیلی بالا) درجه‌بندی می‌شود (گلادینگ، ۲۰۱۴).

"تعهد و وفاداری" هفتمین عامل در تداوم ازدواج طولانی رضایت‌مند آن‌ها بوده است. شرکت‌کنندگان در بیان عوامل تداوم ازدواج‌های طولانی‌مدت رضایت‌مند، بر مواردی مانند،

1. rigid
3. flexible

2. Structured
4. chaotic

اطمینان و اعتماد داشتن به همدیگر، وفاداری و تعهد به همدیگر، بدبین و بددل بودن و راز نگهدار بودن اشاره داشته‌اند. یافته به دست آمده با نتایج پژوهش‌های بسیاری مانند مک‌کری (۲۰۱۵)؛ کاسلوف و رابیسون (۱۹۹۶)؛ کلاگس‌بورن (۱۹۸۵)، لاور و لاور (۱۹۸۶)، آلفورد-کوپر (۱۹۹۸) و نیمتز (۲۰۱۱) مطابقت دارد. لاور و لاور (۱۹۸۶) تعهد را چنین تعریف کردند: تمایل و قاطعیت برای همکاری در زمان‌های سختی. زوج‌های شاد و غیرشاد به ماهیت ارتباط و عقیده به تعهد بلندمدت به عنوان دلایل اصلی متأهل ماندن اشاره کرده‌اند. رویزلات و همکاران (۱۹۹۹) در پژوهش خود اعتماد، وفاداری و عشق را اجزای عمده رضامندی زناشویی در ازدواج‌های پایدار ذکر کرده‌اند. فنل (۱۹۹۳) نیز در پژوهش خود تعهد و وفاداری را اولین عامل در پایداری ازدواج‌های طولانی‌مدت رضایت‌مند ذکر کرده است. ویگل و بالارد-ریسچ (۱۹۹۹) تعهد را مهم‌ترین عامل در تداوم ازدواج‌ها ذکر کرده‌اند. زوجین، چه شاد و چه غیرشاد یک اعتقاد مشترک دارند "ازدواج یک بنیان مقدس و یک تعهد بلندمدت است". تفاوت آن‌ها این است که زوج‌ها موفق هم به ازدواج و هم به همسر خود متعهد می‌باشند. از نظر آن‌ها ارتباط و نزدیکی محصول یا نتیجه‌ی ازدواج است.

"داشتن ارزش‌ها، فرهنگ و تجارب معنوی مشترک" هشتمین عامل در تداوم ازدواج طولانی رضایت‌مند آن‌ها بوده است. شرکت‌کنندگان در بیان عوامل تداوم ازدواج‌های طولانی‌مدت رضایت‌مند، بر مواردی مانند، هم سطح بودن خانواده‌های هر دو طرف، توافق در زمینه ارزش‌ها و مراسمات اجتماعی و فرهنگی، اشتراک نظر در مورد باورها و اعتقادات مذهبی و داشتن اعتقادات و باورهای مذهبی قوی اشاره داشته‌اند. یافته به دست آمده با نتایج پژوهش‌های بسیاری مانند کاسلوف و رابیسون (۱۹۹۶) و فنل (۱۹۹۳) مطابقت دارد. ارزش‌ها، فرهنگ و مذهب از خصوصیات عمده درون بافت ازدواج‌ها است. این مفاهیم با فعالیت‌هایی که زن و شوهر با هم انجام می‌دهند - ارتباط داشته و بر آن تأثیر می‌گذارد زمانی که زن و شوهر در این زمینه به‌طور معناداری باهم تفاوت داشته باشند، میزان طلاق افزایش و رضایت و ثبات زناشویی کاهش می‌یابد (لهر، ۲۰۰۶).

داناوان (۲۰۰۴) شناخت فرهنگ طرف مقابل و داشتن اهداف مشترک و نگرش‌های مذهبی مشابه باعث تداوم ازدواج و رضایت‌مندی زوج‌ها در طول زمان می‌شود. داشتن اعتقادات و باورهای مشترک باعث می‌شود که نقاط اشتراک رابطه‌ی آن‌ها افزایش یافته و حمایت معنوی بیشتری از یکدیگر در طول زمان داشته باشند. حتی گاهی اوقات، توافق در این زمینه‌ها بر افزایش صمیمیت نیز اثرگذار خواهد بود. طی مصاحبه با زوجین، باور مشترک باعث نزدیکی آن‌ها یا باعث تقویت پیوند ازدواج می‌شود. البته آنچه که گفته شد، به این معنی نیست که اگر در برخی حوزه‌ها با هم تفاوت داشتند؛ الزاماً روابط آن‌ها پایدار و موفق نخواهد بود. بلکه افرادی هستند که علی‌رغم تفاوت در برخی از زمینه‌ها، ازدواج موفق داشته‌اند. اما به‌طور عام هر چه مشترکات بیشتر باشد زندگی و ارتباط راحت‌تر و آسان‌تر خواهد بود. به‌طور کلی، زوج‌های موفق در پژوهش حاضر بیشتر بر توافق تأکید داشته‌اند. این توافق می‌تواند هم به صورت تشابه باشد و هم به صورت تفاوت توأم با احترام.

"ارتباط با اجتماع، خانواده ها و دوستان" نهمین عامل در تداوم ازدواج طولانی رضایت‌مند آن‌ها بوده است. شرکت‌کنندگان در بیان عوامل تداوم ازدواج‌های طولانی مدت رضایت‌مند، بر مواردی مانند، منزوی نبودن و داشتن ارتباط با دیگران، روابط خوب با اهالی محل و همسایه، عدم دخالت بیجای خانواده های یکدیگر در زندگی مشترک تان و عدم دخالت خود زوج‌ها در مسائل خانواده های پدري اشاره داشته‌اند. یافته به دست آمده با نتایج پژوهش‌های بسیاری شوون و همکاران (۲۰۰۶) آسوده و همکاران (۲۰۱۱) مطابقت دارد. لوئیس و اسپاینر (۱۹۷۹) در یافته‌های خود به نقش دوستان و سایر اعضای خانواده در کیفیت زناشویی اشاره کردند. در حالی که یک شبکه‌ی اجتماعی قوی با اطرافیان می‌تواند کیفیت زناشویی را افزایش دهد، مخالفت مداوم اطرافیان می‌تواند بر کیفیت یک رابطه اثر منفی بگذارد. بر اساس دیدگاه دانش فرمانش، خانواده بخشی از نظام‌های اجتماعی بزرگتر و گسترده تر به شمار می‌آید. بنابراین هنگام ارزیابی خانواده ها می بایست به این سازمان‌ها و نهادها هم توجه ویژه داشت. در برخی خانواده‌ها نحوه‌ی ارتباط زوج‌ها با خانواده‌های یکدیگر، دوستان و اجتماع اطراف یکی از منابع عمده ایجاد تعارض و چالش است. زوج‌های موفق، در این زمینه با هم توافق دارند و انتظارات یکدیگر را برآورده می‌کنند.

نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های این پژوهش مهم‌ترین ویژگی در توصیف ازدواج پایدار در مردان شامل سبک ارتباط و حل تعارض مناسب بود. به علاوه موارد بعدی در ازدواج پایدار و خوشبخت در مردان به این صورت به‌دست آمد: حمایت، توجه، احترام و قدردانی از یکدیگر؛ ویژگی‌های شخصیتی و مسئولیت‌پذیری؛ صمیمیت و کیفیت رابطه جنسی؛ کیفیت زندگی مشترک و گذراندن وقت و تفریحات؛ تطابق زوج‌ها و انعطاف‌پذیر بودن؛ تعهد و وفاداری؛ داشتن ارزش‌ها، فرهنگ و تجارب معنوی مشترک؛ و ارتباط با اجتماع، خانواده ها و دوستان؛ عوامل تداوم ازدواج‌های طولانی مدت خوشبخت در مردان می‌باشند.

از محدودیت‌های اصلی در انجام این پژوهش باید به گستردگی حجم جامعه اشاره نمود ولی با وجود فراخوان جهت همکاری استقبال بسیار پایین بود. ضمن اینکه گزینش و استفاده از ملاک‌های ورود نیز به نوبه خود انتخاب گروه نمونه را با دشواری مواجهه می‌ساخت چرا که غالب مراجعین دارای مشکلات زناشویی، روان‌شناختی و یا شخصی بودند. آنجا که اغلب پژوهش‌ها بر جنبه‌های منفی و مشکلات مربوط به ازدواج پرداخته‌اند، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های بعدی بیشتر به سمت متغیرهای مثبت در ازدواج که رضایت زناشویی را فراهم می‌نمایند هدایت شود تا بدین وسیله تجربیات موفق افرادی که ازدواج پایدار دارند با دیگران به اشتراک گذاشته شود و بدین وسیله زمینه ازدواج پایدار و خوشبخت در جامعه مهیا شود. در نهایت این که شناخت و

شناسایی عوامل مؤثر بر ازدواج‌های پایدار و موفق می‌تواند به عنوان الگو و مسیری برای زوج‌های جوان، و در نهایت باعث ارتقای سلامت عمومی جامعه باشد.

References

- Adamczyk, K. (2017). Direct and indirect effects of relationship status through satisfaction with relationship status and fear of being single on Polish young adults' well-being. *Personality and Individual Differences, 111*, 51-57.
- Alford-Cooper, F. (1998). *For Keeps: Marriages That Last a Lifetime*, M.E. Sharpe, New York.
- Asoodeh, M. H., Daneshpour, M., Khalili, Sh., Gholamali Lavasani, M., Abuali Shabani, M., & Dadras, I. (2011). Iranian Successful Family Functioning: Communication. *Social and Behavioral Sciences, 30*, 367-371.
- Bloch, L., Haase, C. M., & Levenson, R. W. (2014). Emotion regulation predicts marital satisfaction: More than a wives' tale. *Emotion, 14* (1), 130-144.
- Boyce, C. J., Wood, A. M., Delaney, L., & Ferguson, E. (2017). How do Personality and Social Structures Interact with Each Other to Predict Important Life Outcomes? The Importance of Accounting for Personality Change. *European Journal of Personality, 42* (4), 471-484.
- Bramlett, M. D., & Mosher, W. D. (2001). First marriage dissolution, divorce, and remarriage: United States. *Advance Data: Centers for Disease Control, 323*, 1-19.
- Canary, D. J., Stafford, L., & Semic, B. A. (2002). A panel study of the associations between maintenance strategies and relational characteristics. *Journal of Marriage and Family, 64*, 395-407.
- Claxton, A., O'Rourke, N., Smith, J.A.Z., & DeLongis, A. (2013). Personality traits and marital satisfaction within enduring relationships: An intra-couple discrepancy approach. *Journal of Social and Personal Relationships, 29* (3), 375-396.
- Costa, P. J., & McCrae, R. (1988). personality in adulthood: a six-year longitudinal study of self-reports and spouse ratings on the NEO Personality Inventory. *Journal of Personality and Social Psychology, 54* (5): 853-63.
- Dehle, C., Larsen, D., & Landers, J. E. (2001). Social support in marriage. *The American Journal of Family Therapy, 29*, 307-324.

- Dereje, W. (2014). The Causes and Psychosocial Impacts of Divorce on Women: The Case of Ethiopian Women Lawyers' Association (EWLA) Supported Women (Master's thesis). Addis Ababa University.
- Donovan, S. (2004). Stress and coping techniques in successful intercultural marriages. Thesis submitted to the Faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University in partial fulfillment of the requirements for the degree of M.A.
- Doohan, E. M. & Manusov, V. (2004). The communication of compliments in romantic relationships: An investigation of relational satisfaction and sex differences and similarities in compliment behavior. *Western Journal of Communication*, 68, 170-194.
- Fenell, D. L. (1993). Characteristics of long-term first marriages. *Journal of Mental Health Counseling*, 15, 446-460.
- Galinsky, A. M., & Waite, L. J. (2015). Sexual Activity and Psychological Health as Mediators of the Relationship between Physical Health and Marital Quality. *The Journals of Gerontology*, 69 (3), 482-492.
- Gladding, S. t. (2014). Family Therapy: History, Theory, and Practice (6th Edition). New Jersey: Pearson Publication.
- Gottman, J. M., & Notarius, C. I. (2000). "Decade Review: Observing Marital Interaction." *Journal of Marriage and the Family*, 62, 927-947.
- Gottman, J. M., & Silver, N. (2000). *The seven principles for making marriage work*. New York, NY: Simon & Schuster Paperbacks.
- Gottman, J. M., Schwartz, S., Gottman, J., & DeClaire, J. (2006). *10 Lessons to transform your marriage*. New York: Crown.
- Greeley, A. (1994). *Sex: The Catholic experience*. Allen. TX: Tabor.
- Grych, J., & Fincham, F. (1990). Marital conflict and children's adjustment: A cognitive-contextual framework. *Psychological Bulletin*, 108, 267 – 290.
- Halford, W. K. (2001). Brief couple therapy: Helping partners help themselves. New York: Guilford Press.
- Hendrick, S. S., Dicke, A., & Hendrick, C. (1998). The relationship assessment scale. *Journal of Social and Personal Relationships*, 15, 137-142.
- Impett, E. A., Muise, A., & Peragine, D. (2014). Sexuality in the context of relationships. In D. L. Tolman & L. M. Diamond (Eds.), *APA handbook of sexuality and psychology: Vol. 1. Person-based*

- approaches (pp. 269–315). Washington, DC: American Psychological Association.
- Iveniuk, J., Waite, L. J., Laumann, E., McClintock, M. K., & Tiedt, A. D. (2014). Marital conflict in older couples: Positivity, personality, and health. *Journal of Marriage and Family*, 76 (1), 130-144.
 - Janmardy, M. (2011). Study of divorce in Iran provinces from 1977 to 1998: Emphasis on the role of Iran- Iraq war. *International Journal of Sociology and Anthropology*, 3 (4):132-8.
 - Kaplan, H. S. (1990). Sex, intimacy, and the aging process. *Journal of the American Academy of Psychoanalysis*, 18, 185-205.
 - Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (1995). The longitudinal course of marital quality and stability: A review of theory, methods and research. *Psychological Bulletin*, 118, 3-34.
 - Kaslow, F. & Robison, J. A. (1996). Long-term satisfying marriages: Perceptions of contributing factors. *The American Journal of Family Therapy*, 24(2), 153-168.
 - Kepler, A. (2015). *Marital Satisfaction: The Impact of Premarital and Couples Counseling*. A Master of Arts thesis in social work, St. Catherine University and the University of St Thomas, Minnesota.
 - Khojastehmehr, R., Koraei, A., Abbaspour, Z., & Koochaki, R. (2011). The Role of Anxiety and Avoidance Attachment and Attribution in Marital Forgiveness: Testing a Mediation Model. *Journal of Applied Counseling*, 1 (2): 51-72.
 - Khoshdasht, F. A., Jalali, M. R., & Kakavand, A. R. (2016). The relation between the personality traits, defense mechanisms and marital satisfaction of elementary school students' parents. *Institute of Integrative Omics and Applied Biotechnology*, 7 (10), 31-37.
 - Lauer, R. H. & Lauer, J. C. (1986). Factors in long-term marriages. *Journal of Family Issue*. 7(4), 382-390.
 - Lavner, J. A., Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2016). Does Couples' Communication Predict Marital Satisfaction, or Does Marital Satisfaction Predict Communication? *Journal of Marriage and Family*, 78 (3), 680-694.
 - Lehrer, E. (2006). Age at marriage and marital instability: Revisiting the Becker-Lades-Micheel hypothesis. University of Illinois at Chicago and Izabon.
 - Levinger, G. (1976). Marital cohesiveness and dissolution: An integrative review. *Journal of Marriage and Family*, 27 (1): 19-28.

- Lewis, R. A., & Spanier, G. B. (1979). Theorizing About the Quality and Stability of Marriage. Pages 268-294 in W.R. Burr, R. Hill, F.I. Nye, & I. L. Reiss (Editors). *Contemporary Theories about the Family* (Vol. 2). New York: Free Press.
- Mackey, R. A., & O'Brien, B. A. (1995). *Lasting Marriages: Men and Women Growing Together*, Praeger, Westport, Connecticut.
- McCray, M. L. (2015). *Infidelity, Trust, Commitment, and Marital Satisfaction among Military Wives during Husbands' Deployment*. Doctoral Dissertation. Walden University. Minneapolis, Minnesota.
- McNulty, J. K. (2008). Forgiveness in marriage: Putting the benefits into context. *Journal of Family Psychology*, 22 (1), 171-175.
- Nintz, M. A. (2011). Satisfaction and contributing factors in satisfying long-term marriage: A phenomenological study. A Dissertation Presented for the Degree Doctor of Philosophy. Liberty University.
- Olson, D. H., & Olson, A. (2000). *Preventive approaches in couple therapy*. New York: Brooks/Cole publishing company.
- Popenoe, D. (2004). The top ten myths of marriage. Retrieved August, 2003, from The National Marriage Project Website.
- Rehman, U. S., & Hotlzworth–Munroe, A. (2007). A cross-cultural examination of the relation of marital communication behavior to marital satisfaction. *Journal of Family Psychology*, 21 (4), 759 – 763.
- Repetti, R. L, Taylor, S. E., & Seeman, T. E. (2009). Risky families: Family social environments and the mental and physical health of offspring. *Psychological Bulletin*, 128 (2), 33-66.
- Robles, T. F., Slatcher, R. B., Trombello, J. M., & McGinn, M. M. (2014). Marital quality and health: A meta-analytic review. *Psychological bulletin*, 140 (1), 140-187.
- Roizblatt, A., Kaslow, F., Rivera, S., Fuchs, T., Conejero, C., & Zacharias, A. (1999). Long lasting marriages in Chile. *Contemporary Family Therapy*, 21: 113-129.
- Schoen, R., Rogers, S. J., & Amato, P. R. (2006). Wives' employment and spouses' marital happiness: Assessing the direction of influence using longitudinal couple data. *Journal of Family Issues*, 27 (4), 506-528.
- Sharif, F., Soleimani, S., Mani, A., & Keshavarzi, S. (2013). The Effect of Conflict Resolution Training on Marital Satisfaction in Couples Referring to Counseling Centers in Shiraz, Southern Iran.

International Journal of Community Based Nursing and Midwifery, 1 (1), 26-34.

- Sharma, B. (2011). Mental and Emotional Impact of Divorce on Women. *Journal of the Indian Academy of Applied Psychology*, 37 (1), 125-131.
- Slatcher, R. B., & Schoebi, D. (2017). Protective processes underlying the link between marital quality and physical health. *Current Opinion in Psychology*, 13, 148-152.
- Stanley, S. M., Whitton, S. W., Sadbury, S. L., Clements, M. L., & Markman, H. J. (2006). Sacrifice as a predictor of marital outcomes. *Family Process*, 45 (3), 289-303.
- Statistical Yearbook of the State Registration Organization. (2016).
- Van Jaarsveld, W. (2007). Divorce and children in middle childhood: parents' contribution to minimize the impact. (Dissertation of play therapy). Department of Social Work and Criminology. University of Pretoria.
- Villa, M. B., & Pereira Del Prette, Z. A. (2013). Marital Satisfaction: The Role of Social Skills of Husbands and Wives. *Paidéia (Ribeirão Preto)*, 23 (56), 379-387.
- Weigel, D J., & Ballard-Reisch, D. S. (1999). The influence of marital duration on the use of relationship maintenance behaviors. *Journal of Social and Personal Relationships*. 16(2), 175-191.
- Young, M. E. & Long, L. L. (1998). Counseling and therapy for couples, Brooks/Cole, Publishing company, USA.